

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ فبروری ۲۰۲۰

## "غنی احمدزی" و "غیب گوئی"؟!

چهارشنبه- ۳۰ دلو ۱۳۹۸ - کابل: روز گذشته زمانی که از جانب به اصطلاح "کمیسیون مستقل انتخابات" برنده نهائی اعلام گردید، همان طوری که انتظار می رفت، اعلام خبر واکنش های متفاوت و متضادی را در تمام عرصه ها برانگیخت. در یادداشت امروزی، تصمیم ندارم به هیچ یک از ابعاد این بالماسکه مبتذل و واکنش ها علیه آن بپردازم، بلکه به اجازه شما خوانندگان گرانقدر، صرف یک جمله از مجموع پاره سرائی های همیشگی "غنی احمدزی" را که به مثابه نخستین سخنرانی بعد از اعلام پیروزی ایراد کرد، به بحث می گیرم:

"غنی احمدزی" گفت: "من پنج سال بعد این مقام را به رئیس جمهور منتخب آینده می سپارم"

هموطنان گرامی!

هر چند این جمله از دهان "غنی احمدزی" به مثابه تمکین به قانون اساسی که دوران ریاست جمهوری را ۵ سال می داند، بیرون شده است، مگر در واقعیت امر معانی دیگری را نیز در بطن خود حمل می نماید، که ذیلاً به قسمتی از آنها اشاره می نمایم:

۱- در افغانستان که اسم رسمی آن "جمهوری اسلامی افغانستان" است، حد اقل بر مبنای همین اسم رسمی، تمام موازین می باید بر مبنا و اصول اسلام پیشرفته، به اساس قانون اساسی آن، شخص رئیس جمهور مسلمان باشد. صحبت "۵ سال بعد مقام را به نفر بعدی" خواهم سپرد، وقتی از جانب آدم تحصیلکرده و به اساس ادعای طرفدارانش "دومین مغز متفکر" جهان بیان می گردد، بدان معناست که گوینده جمله به دو اصل اساسی اسلام باور مند نیست: یکی این که هیچ کس راجع به آینده و غیب نمی داند و اسلام صریحاً اعلام می دارد که "الغیب عندالله"، دیگری زمان مرگ است که هیچ مسلمانی بر مبنای آیات صریح قرآن نمی تواند ادعا کند که تا چه وقت زنده است و چه وقت خواهد مرد،

به هر دو دلیل، اعلام سپردن قدرت و حاکمیت بعد از ۵ سال آنهم بدون اگر و مگر و اظهار امیدواری که اگر زنده بودم و یا امیدوارم زنده باشم، به مثابه حکم قطعی، نشان از آن دارد که گوینده خلاف قرآن ادعا دارد که هم از غیب و آینده می داند و هم زمان مرگش را از قبل می داند. یعنی گوینده به اسلام اعتقاد ندارد و بر مبنای قانون اساسی اطاعت از وی جواز شرعی ندارد.

۲- دو مین نکته ای که از ذکر آن جمله استنباط می گردد، رجز خواندن علیه مخالفان خودش و مخالفان انتخابات کذائی می باشد. "غنی احمدزی" با ذکر آن جمله صریحاً به مخالفانش می گوید، که چه آنها بخواهند و چه هم نخواهند، تا ۵ سال آینده مقام ریاست جمهوری را رها نخواهد کرد، لذا بهتر است خفقان بگیرند و صدایشان بیرون نشود. این که چنین جرأتی را از کجا پیدا نموده، مسلم است که دلپری اش به حمایت اشغالگران است ورنه به مانند جوانی هایش که بدون چرب نمودن تیل سیاه بر پیشانی و بستن بازوبند از منزل بیرون نمی شد، اکنون نیز در کنار "نتانیاها" نشسته می بود.

۳- تذکر الی ۵ سال دیگر در این مقام ماندن، در عمل پاسخ دندان شکنی به استقامت طالب و تمام تلاشهاییست که زیر عنوان صلح و یا آتش بس صورت می گیرد. "غنی احمدزی" به همان سان که در جفنگ نامه "پلان صلح ۷ فقره ئی" اش نوشته بود و در آنجا زمان تطبیق آن را ۵ سال ذکر نموده بود، بار دیگر فرصت را غنیمت دانسته باز هم بر همان مواضع تأکید نمود.

به عبارت دیگر وی صریحاً می گوید که برای وی هیچ چیزی بالاتر از دوام قدرت و حاکمیت خودش نیست، آنهم در حدی که، اگر نیروهای مخالف برای ختم جنگ و رسیدن به صلح صرف یک شرط داشته باشند یعنی بخواهند که "غنی احمدزی" در قدرت نباشد، برای وی پذیرفتنی نیست. او حاضر است باز هم ۴۵ الی ۵۰ هزار جوان افغان را به قربانگاه بفرستد، مگر خودش به هیچ قیمتی حاضر نیست از چوکی اش صرف نظر نماید.

هموطنان گرامی!

گفته های "غنی احمدزی" از بعد دیگری یک نوع اعلام نبرد علیه من و تو و تمام کسانی که در اساس مخالف حاکمیت دست نشانده اند، نیز می باشد. او صریحاً می گوید که حاضر نیست به اراده آزادیخواهان مردم گردن گذارد و تا ۵ سال دیگر به خیانتش به میهن ادامه خواهد، پس می باید بر حدت رزم خود بیفزائیم و با به زیر کشیدن این توله سگ امپریالیسم و ارتجاع، به وی بفهمانیم که این مردم افغانستان است که تعیین می دارند چه کسی در رأس قدرت قرار داشته باشد، نه خواست و اراده نوکران امپریالیسم و ارتجاع.

**سرکها ما را می طلبند!**